



### بررسی جایگاه و انواع مرزهای درون خانواده

اسماعیل بیننده<sup>۱</sup>، مهدی حقیقت<sup>۲</sup>، یاسین علینژاد<sup>۳</sup>، محمد فتحی<sup>۴</sup> و محمدرضا راستی<sup>۵</sup>

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت / فرهنگی اداره آموزش و پرورش منطقه اشکنان فارس  
esmaeilbinandeh@yahoo.com

۰۹۱۷۹۷۹۲۸۷۴

۲- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد / فرهنگی اداره آموزش و پرورش منطقه اشکنان فارس  
m13450339@gmail.com

۰۹۱۷۹۷۹۲۹۵۶

۳- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد / فرهنگی اداره آموزش و پرورش منطقه اشکنان فارس  
alinejadysin@gmail.com

۰۹۱۷۷۸۹۸۶۲۶

۴- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد / فرهنگی اداره آموزش و پرورش منطقه اشکنان فارس  
mohammadfathiabel@gmail.com

۰۹۱۷۶۵۰۰۵۸۸

۵- کارشناس علوم تربیتی از دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی بوشهر / فرهنگی اداره آموزش و پرورش منطقه اشکنان فارس  
Mrr1373@gmail.com

۰۹۱۷۹۷۹۲۹۹۶

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی جایگاه و انواع مرزها در درون خانواده و نقش آن ها در روابط بین اعضای خانواده می باشد. مرزها خطوط نامرئی هستند که افراد یا زیرمنظومه ها را از نظر روانی از هم جدا می کنند و منجر به تشکیل زیرسیستم های خانواده می شوند. مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف پذیری یا نفوذپذیری با یکدیگر متفاوت هستند. برای نخستین بار سالوادور مینوچین این موضوع را مطرح کرد و به جنبه های گوناگون، اهمیت و انواع آن در خانواده پرداخت. این پژوهش از نوع مروری بوده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. در ابتدا داده ها توسط روش کتابخانه ای، فیش برداری، استفاده از کتب و مقالات گردآوری شده است سپس به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است وجود مرزها باعث می شود نقش ها بر اساس مسئولیت ها و حقوق تقسیم شوند. مرزها شرایط ارتباط بر اساس احترام متقابل را تسهیل می کنند. در خانواده سه زیرمنظومه ی مهم وجود دارد که ساختار خانواده را شکل می دهد، زیرمنظومه ی زن و شوهری، زیرمنظومه ی والدینی و زیرمنظومه ی فرزندان. در خانواده ها سه نوع مرز می توان یافت: مرزهای خشک یا گسسته، مرزهای در هم تنیده یا نامشخص و مرزهای مشخص یا متقارن. مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف پذیری یا نفوذپذیری با یکدیگر تفاوت دارند و میزان دسترسی به هر خرده نظام، ماهیت و فراوانی ارتباط و تماس میان اعضای خانواده را تعیین می کند.

**واژگان کلیدی:** خانواده، مرز، مینوچین، خانواده درمانی ساختاری

### ۱-مقدمه

خانواده گروه کوچکی است که از زن و شوهر و فرزند یا فرزندان تشکیل می شود. عضو خانواده بودن یعنی، در نوعی شبکه ی عاطفی سهیم شدن، به یک گروه اجتماعی تعلق داشتن، تاریخ مشترک داشتن و به محیط زندگی خاصی عادت کردن. اهمیت خانواده نیز به خاطر همین دستاوردهاست (گنجی، ۱۳۸۷: ۱۴۱). خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی های خاص

خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقش های متنوعی تعیین می کند ( گلدنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸).

خانواده عاملی بسیار تأثیرگذار در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است. مطالعات فراوانی نشان می دهد که مشکلات رفتاری و انحرافات افراد ریشه در خانواده دارد. از سوی دیگر، دستیابی به جامعه ی سالم در گرو سلامت خانواده است (صادقی و همکاران، ۲۰۱۵؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸). حیات و سلامت خانواده ضامن سلامت و حیات اجتماعی جامعه می باشد و سالم سازی اعضای خانواده و رابطه ی آنها بی گمان اثرات مثبتی را در جامعه در پی خواهد داشت (زادهوش و همکاران، ۲۰۱۱؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸).

سالوادور مینوچین<sup>۲</sup> (۱۹۷۴) یکی از مهم ترین نظریه پردازان حوزه ی خانواده، یکی از اولین کسانی است که مفهوم مرز را در روان شناسی مطرح کرد. او مرز را یکی از عوامل مهم پیش بینی کننده ی خانواده ی سالم می داند. به اعتقاد او، خانواده بستری برای رشد فرزندان است تا بتوانند آن ها را برای درک دو مفهوم جدایی و احساس تعلق آماده سازد. از نظر او خانواده ی سالم دارای یک ساختار هرمی متشکل از زیرسیستم های (زیرمنظومه های) مختلف است که به واسطه ی مرزهای منعطف از هم متمایز شده اند و با یکدیگر در تعاملند (چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱).

مرزها خطوط فرضی مربوط به جنبه های ارتباطی اعضای خانواده است که اموری مانند روابط کلامی و غیر کلامی، مسئولیت ها، توقعات متقابل و قواعد ارتباطی اعضای خانواده، مقررات، کیفیت و کمیت عضویت در خانواده و زیرمنظومه های آن را شامل می شوند (مینوچین و فیشرمن<sup>۳</sup>، ۱۹۷۴؛ به نقل از هوشیاری، ۱۳۹۹: ۸).

مرز به معنای معیاری روان شناختی است که از یکپارچگی یک فرد یا گروه محافظت می کند و به فرد یا گروه کمک می کند محدودیت های واقع بینانه ای برای مشارکت در یک رابطه یا فعالیت تعیین کنند. وجود مرزهای واضح برای سلامت جسم و روان انسان ضروری است (چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹).

هر نوع نظام خانواده می تواند دارای مرزهای متفاوتی بین افراد عضو خانواده و غیرعضو باشد. مرزهای خانواده تعیین کننده ی شمول و خروج اعضای خانواده، تمایز بین افراد خودی و غیرخودی و تعیین درجات متفاوت انعطاف و نفوذپذیری در برخورد با افراد متفاوت است (چیل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴).

مرزهای خانواده را می توان به عنوان ساختارهایی تعریف کرد که با تجارب زندگی، درک خود و محیط اطراف در ارتباطند. مرزها می توانند هم به روش های سالم و هم ناسالم عمل کنند و می توانند به صورت کلامی یا رفتاری بیان شوند. مرزهای خانواده برای تعیین نقش ها، وظایف و مسئولیت ها حیاتی هستند (مینوچین، ۱۹۸۲؛ به نقل از کورت و اوزون<sup>۵</sup>، ۲۰۲۳: ۱۶۰).

مرز همچون بسیاری از مفاهیم روانشناختی دیگر تحت تأثیر فرهنگ می تواند متفاوت باشد. جوامع مختلف ساختارهای اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی متفاوتی دارند. این تفاوت ها می تواند بر مبنای غلبه ی پدر سالاری، مادر سالاری یا روابط کلیدی حاکم بر خانواده شکل گیرد. به عنوان مثال در برخی خانواده ها تمرکز اصلی بر رابطه ی زنشویی و در برخی فرهنگ ها غلبه ی اصلی بر رابطه ی والد - فرزندی است (پارکین و استون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴). در برخی بافت های فرهنگی،

<sup>۱</sup> Goldenberg

<sup>۲</sup> Salvaor Minuchin

<sup>۳</sup> Boundary

<sup>۴</sup> Minuchin and fishman

<sup>۵</sup> Cheal

<sup>۶</sup> Kurt and uzun

<sup>۷</sup> Parkin and stone

مرزهای پیرامون فرد، تمرکز و اهمیت می یابند و در برخی فرهنگ ها، مرزها پیرامون خانواده با افراد غیر عضو خانواده مهم تلقی می شوند (چو و سیلارس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۵).

روانشناسان امروز معتقدند که داشتن مرزهای واضح برای سلامت جسم و روان انسان ضروری و مرزهای مشخص و منعطف با وجود عزت نفس و احساس ارزشمندی در افراد مرتبط است (مک فرسن<sup>۹</sup> و دیگران، ۲۰۱۴؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲). وجود مرزها باعث می شود نقش ها بر اساس مسئولیت ها و حقوق تقسیم شوند. مرزها شرایط ارتباط بر اساس احترام متقابل را تسهیل می کنند (پسندیده و همکاران، ۱۳۹۶؛ به نقل از هوشیار و همکاران، ۱۳۹۹: ۹).

با توجه به مطالب فوق اهمیت و جایگاه مرزها در خانواده مشخص می شود. در این پژوهش به دنبال بررسی جایگاه و انواع مرزها در درون خانواده و نقش آن ها در روابط بین اعضای خانواده هستیم.

## ۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری بوده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. در ابتدا داده ها توسط روش کتابخانه ای، فیش برداری، استفاده از کتب و مقالات گردآوری شده است سپس به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شده است.

## ۳- پژوهش های پیشین

چراغی، بی غم، ذبیح زاده، نیک فرجام و توسلی (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان (معنای مرز در روابط بین فردی برای ایرانیان) به ساختار معنایی و مفهوم مرز برای ایرانیان پرداخته است که بیشترین فراوانی مربوط به مفهوم حد و حدود بود (چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۹).

شایقی فرد، رفاهی، فلاح و وزیر یزدی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان (تحلیل محتوای کیفی مقایسه ساختار خانواده از منظر اسلام و رویکرد ساختاری مینوچین) در پی یافتن اشتراکات رویکرد ساختاری خانواده از دیدگاه مینوچین و اسلام جهت غنی نمودن ساختار خانواده متناسب با فرهنگ بومی اسلامی بوده اند (شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۷).

هوشیاری، شکوری و حسینی کوهساری (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان (حدود و مرزهای روان شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدود الله) به این نتیجه رسیدند که واژه ی ((حدود الله)) دوازده بار در قرآن کریم تکرار شده است که ۱۱ مورد آن ناظر به مرزهای خانواده و زوجین می باشد. آنها دریافتند مفهوم مرز از نگاه قرآن کریم، مفهومی عام و فراگیر است که شامل مرزهای کلامی، غیر کلامی، زمانی، مکانی، اقتصادی، جنسی، کمی، کیفی، عاطفی و جنسی می شود (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۷).

درخش، اصلانی و کرای (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان (شناسایی عوامل ازدواج موفق) مرزبندی درون خانواده را از عوامل رضایت زناشویی تلقی می کنند (درخش و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۰).

کیانی چلمردی، هنرمند قوجه بگلو و خاکدال قوجه بگلو (۱۳۹۶) در مطالعه ی خود با عنوان (پیش بینی گرایش به خودکشی در دانش آموزان بر اساس الگوها و مرزهای ارتباطی خانواده) به این نتیجه رسیدند الگوها و مرزهای ارتباطی خانواده تا حدود متوسطی قادر به پیش بینی و تبیین گرایش به خودکشی می باشند (کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶).

عاشوری و منشئی (۱۳۹۲) در مطالعه ی خود با عنوان (اثربخشی خانواده درمانی ساختاری بر سطح رضایت زناشویی زنان) به این نتیجه رسیدند که خانواده درمانی ساختاری مینوچین بر سطح رضایت زناشویی زنان مؤثر است (عاشوری و منشئی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

## ۴- یافته های پژوهش

### ۴-۱- معنا و مفهوم مرز

<sup>۸</sup> Cho and sillars

<sup>۹</sup> Mc pherson

کلمه مرز در لغتنامه انگلیسی مریام - وبستر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) به معنی مشخص کننده ی حد و حدود است. در فرهنگ لغت دهخدا (۱۳۷۷) نیز مرز به عنوان سرحد، دربند، ثغر و خط فاصل میان دو کشور معنا شده است. طبق تعریف دیکشنری روان شناسی (۲۰۲۰) در پایگاه اینترنتی انجمن روان شناسی آمریکا<sup>۱</sup>، مرز به معنای معیاری روان شناختی است که از یکپارچگی یک فرد یا گروه محافظت و محدودیت های واقع بینانه ای را برای مشارکت در یک رابطه یا فعالیت تعیین می کند (چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۰).

مرز مفهوم ثابتی نیست و در شرایط مختلف می تواند تا حد زیادی متغیر باشد (کولس و گریگز، ۲۰۱۸؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲). معمولاً مرزها دارای خاصیت انعطاف پذیری و نفوذپذیری هستند (لاهن، ۱۹۸۲؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

از منظر مینوچین (۱۹۷۴) مرز، تعیین کننده ی ماهیت تعاملات بین زیر سیستم هاست. او مرزها را در دامنه ی خشک که نشانگر تعاملات محدود و از هم گسستگی است، تا هم جوشی که نشانگر تعاملات شدید و مکرر بین زیر سیستم هاست و منجر به در هم آمیختگی می گردد، تعریف می کند. از نظر او در وضعیت بهینه، مرز حالتی بیانبینی است و زمینه ی ارضای نیازها و استقلال نسبی زیرسیستم ها را فراهم می کند (مینوچین، ۱۹۷۴؛ به نقل از چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱). در حقیقت مرز همان انتظارات متقابل و مقرراتی است که اعضاء نسبت به یکدیگر و نسبت به بیرون از خانواده دارند (مینوچین و فیشر، ۱۹۷۴؛ به نقل از هوشیاری، ۱۳۹۹: ۸).

از نظر بوون<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) افراد بر اساس تشکیل یا عدم تشکیل مرز با خانواده اصلی شان در طیفی بین هم جوشی تا تمایز قرار می گیرند. به عقیده ی او از فرد بزرگسال بهنجار انتظار می رود مستقل باشد و خود را تحقق بخشد و در روابط نزدیکش با دیگران مراقب باشد که خویشتن خود را از دست ندهد (بوون، ۱۹۷۸؛ به نقل از چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲-۱۰۱).

از نظر کامگوچی<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) کارکرد مرز در خانواده را شبیه کارکرد غشای سلول ها می داند. او می نویسد مرزها باید در حدی محکم باشند که از یکپارچی افراد و زیرسیستم ها حفاظت کنند. از طرفی مرزها باید در حدی نفوذپذیر باشند که امکان ارتباط بین افراد و زیرسیستم ها را فراهم کند (کامگوچی، ۱۹۹۶؛ به نقل از چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

آکرمن<sup>۴</sup> (۱۹۵۸) و چیس<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) بر مفهوم مرز و مهم ترین خاستگاه آن یعنی خانواده و روابط والد - فرزندی تمرکز زیادی داشته اند. در نظریات روان پویایی بالاخص نظریات روابط موضوعی، بر دو هدف عمده ی رشد و تحول که عبارتند از متصل بودن<sup>۶</sup> و فرد<sup>۷</sup> تأکید زیادی می شود؛ بدین معنی که در روابط سالم انسانی، افراد می توانند به شکل همزمان، هم با یکدیگر در تماس و نزدیکی باشند در حالی که فردیت خود را از دست ندهند. ماehler<sup>۸</sup> همکاران (۱۹۷۵) معتقد است در جریان رشد و تحول فرزندان از والدین انتظار می رود که دو نقش مهم حمایت از فرزندان و فسادادن به آنها برای فاصله گرفتن و خودمختاری را به شکل متعادل ایفا کنند. از نظر لیبرمن<sup>۹</sup> (۱۹۹۲) در شرایط بهینه خانواده لازم است بین والدین و فرزندان یک تمایز روان شناختی وجود داشته باشد و نقش های آنها با یکدیگر تداخل نکند. به عقیده سیتیچی و هوز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۱) اگر افراد شانس تجربه ی روابط سالم توأم با مرز را

<sup>۱</sup> Merriam-Webster

<sup>۲</sup> American Psychological Association (APA)

<sup>۳</sup> Bowen

<sup>۴</sup> Kameguchi

<sup>۵</sup> Ackerman

<sup>۶</sup> Chase

<sup>۷</sup> Connectedness

<sup>۸</sup> Individuation

<sup>۹</sup> Mahler

<sup>۱۰</sup> Lieberman

<sup>۱۱</sup> Cicchetti and Howes



با والدین خود از دوران طفولیت داشته باشند، به احتمال بیشتری می توانند در دوران بزرگسالی روابط توأم با مرزهای سالم با دیگران برقرار کنند (چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱-۱۰۰).

به واسطه ی مرز، طرفین در یک رابطه محدودیت هایی را می پذیرند. این محدودیت ها ابعاد مختلفی دارند که یکی از مهم ترین ابعاد، انتقال اطلاعات است. این موضوع که چه کسانی اجازه دارند به کدام دسته از اطلاعات خصوصی ما دسترسی داشته باشند، می تواند یکی از مصادیق مرز باشد (دیکسون و دیگران، ۲۰۰۶؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲). بنابراین مرز با مفاهیمی چون مالکیت اطلاعات، کنترل سطحی از اطلاعات که به اشتراک گذارده می شود و میزان نفوذپذیری دیگران بر اطلاعات مرتبط است (پترونو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ به نقل چراغی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۳).

### ۲-۴- نظریه ساخت گرای مینوچین منشأ مرز در خانواده

سالوادور مینوچین (۱۹۲۱-۲۰۱۷) در دهه ی ۱۹۶۰ از طریق کار کردن با پسران بزهکار خانواده های فقیر در نیویورک، خانواده درمانی ساختاری را به وجود آورد. درمانگر با تمرکز کردن روی ساختار یا سازمان خانواده، به خانواده کمک می کند تا الگوهای کلیشه ای خود را تعدیل کرده و در روابط بین اعضای خانواده، بازنگری کند. او معتقد است قبل از اینکه نشانه های تک تک اعضای خانواده کاهش یابند یا برطرف شوند، باید تغییرات ساختاری در خانواده ها روی دهند (کری، ترجمه ی سید محمدی، ۱۳۹۶: ۶۰۷-۶۰۸). مرزهای خانواده مفهومی است که در حیطه ی رویکردهای خانواده سیستمیک بنا شده و سعی شده است توسط نظریه پردازان مختلف توضیح داده شده است. سالوادور مینوچین که توضیحات مفصلی در مورد مرزها ارائه کرده است به عنوان بنیانگذار و همچنین یکی از نمایندگان مهم خانواده درمانی ساختاری به شمار می رود (وتر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از کورت واوزون، ۲۰۲۳: ۱۶۰).

خانواده تشکلی طبیعی است که الگوهای گوناگون مرزها را در گذر زمان به خدمت می گیرد. روابط درون خانواده الگوهایی را تشکیل می دهد که چگونه روابط با دیگران برقرار شود و همین الگوها، زیربنای سیستم را تشکیل می دهد. اعضای خانواده بر اساس این الگوها که حاکم بر تعاملات آنهاست، با هم رابطه برقرار می کنند (انصاری، ۱۳۹۲؛ به نقل از هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). این الگوها ساخت خانواده را شکل می دهند و ضمن تعیین نقش اعضای خانواده، حیطه ی رفتار هر یک از اعضا را مشخص و تبادل نظر میان آنها را تسهیل می کنند. برای اینکه وظایف اصلی خانواده یعنی حمایت از فردیت و در عین حال تعلق بین اعضا ایجاد شود، خانواده باید دارای ساخت کارآمد و خودکفایی باشد (مینوچین و فیشرمن، ۱۹۷۴؛ به نقل از هوشیاری، ۱۳۹۹: ۸).

از منظر مینوچین، هر خانواده دارای یک ساخت است و این ساخت هنگامی که خانواده در حال عمل است، آشکار می شود. ساختار مجموعه ای پنهانی از نقش هاست که اعضای خانواده از آن راه با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند (نامنی و همکاران، ۲۰۱۸؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸). ساختار چگونگی ارتباط برقرار کردن اعضا، مدیریت تعارضات، توزیع نقش ها و شیوه ی گفتگو را مشخص می سازد (خاکپور و همکاران، ۲۰۱۵؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸). به نظر مینوچین خانواده در همان حالی که از چرخه های زندگی خود در حال گذر است، می کوشد تعادل ظریف بین ثبات و تغییر را حفظ کند (ایرن و هربرت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸). مینوچین منشأ اختلال در کارکرد خانواده را در سه مقوله ی مرزها، سلسله مراتب و زیرمنظومه ها جستجو می کند (حاجیان مقدم، ۲۰۱۴؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸). در دیدگاه ساختاری یا سیستمیک زیرنظام های همسری، والدینی و فرزندان از اهمیتی ویژه برخوردارند (آقایوسفی و همکاران، ۲۰۱۶؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۸).

بر طبق نظریه ی نظام ها یا سیستم ها، هر عضو خانواده به منزله ی واحدی از خانواده در جهت حفظ تعادل با دیگران ارتباط برقرار می کند (سادوک<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از عاشوری و منشئی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). ایده ی اصلی خانواده درمانی ساختاری

<sup>۲</sup> Dickson ۱  
<sup>۲</sup> Petronio ۲  
<sup>۲</sup> vetere ۳  
<sup>۲</sup> Irene and Herbert ۴  
<sup>۲</sup> Sadock ۵

این است که نشانه‌ی مرضی فرد هنگامی که در بافت الگوهای تعاملی خانواده ارزیابی شود، بهتر قابل درک و شناخت است (تامپسون و رادولف، ۲۰۰۲؛ به نقل از عاشوری و منشی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

ساخت روی خانواده اثر بهتر یا بدتر می‌گذارد. در بعضی خانواده‌ها این ساخت در یک الگوی سلسله مراتبی به خوبی سازمان داده می‌شود و اعضاء به آسانی با یکدیگر در ارتباط هستند. در خانواده‌های دیگر، این ساخت ضعیف است. در هر یک از این موارد، وقایع رشدی یا موقعیتی، استرس، خشونت، هرج و مرج و کارکرد مختل را در خانواده افزایش می‌دهد و خانواده دچار بحران می‌شود (مینوچین، ۱۹۷۴؛ به نقل از گلا دینگ، ترجمه‌ی بهاری، بهرامی، سیف و تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

### ۳-۴- مفهوم زیرمنظومه‌ها در نظریه ساختی

زیرمنظومه‌ها جنبه‌های مهم نظریه ساختی مینوچین هستند. زیرمنظومه‌ها واحدهای کوچکتر سیستم به عنوان یک کل هستند. آنها وجود دارند تا وظایف متعدد خانوادگی را انجام دهند. بدون زیرمنظومه‌ها کل سیستم خانواده کارکرد نخواهد داشت. زیرمنظومه‌ها هنگامی تشکیل می‌شوند که اعضای خانواده به یکدیگر می‌پیوندند تا ویژه‌نقش‌ها و وظایف متعددی را انجام دهند. به عقیده‌ی مینوچین و فیشر (۱۹۸۱) سه زیرمنظومه در خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که عبارتند از: زیرمنظومه‌ی زن و شوهری، زیرمنظومه‌ی والدینی و زیرمنظومه‌ی فرزندان (گلا دینگ، ترجمه‌ی بهاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

#### ۱-۳-۴- زیرمنظومه‌ی زن و شوهری

زیرمنظومه‌ی زن و شوهری از شرکاء زندگی تشکیل شده است. در خانواده‌ها روشی را که شرکاء، یکدیگر را حمایت و تقویت می‌کنند تا اندازه‌ی زیادی بستگی به این دارد که خانواده چقدر خوش ساختار است و تا چه اندازه کاربردی عمل می‌کند. هنگامی که مکملیت نقش‌ها وجود دارد، زیرمنظومه‌های زن و شوهری به بهترین شکل کار می‌کنند. در چنین شرایطی یک شوهر و همسر، به عنوان یک تیم عمل می‌کنند و وابستگی‌شان را به یکدیگر می‌پذیرند (گلا دینگ، ترجمه‌ی بهاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

#### ۲-۳-۴- زیرمنظومه‌ی والدینی

زیرمنظومه‌ی والدینی مرکب از کسانی است که در قبال مراقبت، محافظت و آموختن آداب اجتماعی به بچه‌ها مسئول هستند. همانند زیرمنظومه‌ی زن و شوهری اگر که زیرمنظومه‌ی والدینی به روش بین نسلی عمل نکند، سالم تلقی می‌شود. اتحاد (ائتلاف) بین نسلی اعضای دو نسل مختلف در خانواده را شامل می‌شود. برای مثال اگر یک والد و بچه برای دستیابی به اهداف یا نیازهای معینی از قبیل عشق یا قدرت با هم تبانی کنند، یک اتحاد بین نسلی در میان است. زیرمنظومه‌های والدینی باید پا به پای رشد کودکان تغییر کنند. قوانینی که در ۸ سالگی قابل کاربرد است در سن ۱۸ سالگی به کار نمی‌آید؛ بنابراین، والدین دائماً برای تعریف مرزهای مناسب، مشخص و نفوذپذیری که به اعضای خانواده کمک کند تا بدون هم آمیختگی یا از هم گسیختگی به یکدیگر دسترسی داشته باشند زیر سؤال هستند (گلا دینگ، ترجمه‌ی بهاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۶-۲۳۷).

خانواده زمانی سالم تلقی می‌شود که همه اعضای آن فرصتی برای پرداختن به مسائل خاص خود در اختیار داشته باشند. گاهی اوقات خانواده‌ها این موضوع را نادیده می‌گیرند و فراموش می‌کنند که زوج‌ها نیاز دارند فرصتی داشته باشند تا مدیریت خود را بیابند به همین دلیل به میزان زیادی مرزهای آنان را نادیده می‌گیرند. نادیده گرفتن مرزها اینگونه اتفاق می‌افتد که خانواده تلاش می‌کند به گونه‌ای در فرزند خود نفوذ کند تا به جای عمل کردن طبق خواسته‌های همسر، طبق خواسته‌های خانواده عمل کند (درخش و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱).

#### ۳-۳-۴- زیرمنظومه‌ی فرزندان

زیرمنظومه‌ی فرزندان واحدی در درون خانواده است که اعضای یک نسل را در بر می‌گیرند. تفاوت‌های سنی ممکن است روی میزان خوش کارکردی زیرمنظومه‌ی خواهر-برادری مؤثر باشد و زیرمنظومه‌های خواهر-برادری اغلب از بچه‌هایی تشکیل می‌شود که از نظر سنی به یکدیگر نسبتاً نزدیک هستند، برای مثال ۲ یا ۳ سال تفاوت سنی دارند. هر چه فاصله‌ی سنی بین خواهر-

برادرها زیادتر باشد ، احتمالاً کمتر با هم ، یعنی به صورت یک زیرمنظومه ، متحد می شوند ( گلادینگ ، ترجمه ی بهاری و همکاران ، ۱۳۸۸ : ۲۳۷ ) .

#### ۴-۴- انواع مرز درون خانواده

نوع مرزها در روابط بین اعضای خانواده تأثیر دارند و عملکرد ایده آل خانواده زمانی رخ می دهد که مرزها واضح هستند و بین استقلال و اتحاد ، تعادل برقرار باشد . مرزها باید به اندازه ی کافی قوی باشند تا از رشد سالم سیستم حمایت کنند . از دیدگاه خانواده درمانی ساختاری که مبتنی بر نظریه ی سیستم ها می باشد ، مرزها خطوط نامرئی هستند که افراد یا زیرمنظومه ها را از نظر روانی از هم جدا می کنند و منجر به تشکیل زیرسیستم های خانواده می شوند . مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف پذیری یا نفوذپذیری با یکدیگر متفاوت هستند . بر طبق دیدگاه خانواده درمانی ساختاری ، مرزها به سه شکل گسسته ، درهم تنیده و بهنجار هستند ( کرادوک<sup>۷</sup> و همکاران ، ۲۰۰۹ ؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران ، ۱۳۹۶ : ۵۷ ) .

مرزهای خانواده می تواند در دوره های رشد تغییر کرده و با توجه به ساختار و نظام خانواده شکل های جدیدی به خود بگیرند ( کورت و اوزون ، ۲۰۲۳ : ۱۶۱ ) .

برای عملکرد مناسب اعضای خانواده ، باید مرزهای زیرمنظومه ها واضح و مشخص باشند ؛ به طوری که برای اعضای هر زیرمنظومه ، امکان اجرای نقش ها بدون مزاحمت دیگران فراهم گردد و در عین حال ، مرزها اجازه ی تماس اعضای زیرمنظومه را با سایرین بدهد ( مینوچین ، ۱۹۷۴ ؛ به نقل از هوشیاری و همکاران ، ۱۳۹۹ : ۹ ) .

#### ۴-۴-۱- مرزهای گسسته یا خشک

در مرزهای گسسته یا خشک ، ساختار سالم ، نظم یا قدرت دیده نمی شود و پیوند بین اعضای خانواده ضعیف است ( کرادوک و همکاران ، ۲۰۰۹ ؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران ، ۱۳۹۶ : ۵۷ ) . اعضای خانواده های با مرز گسسته ممکن است مستقلانه عمل کنند اما گرفتار احساس استقلال مسخ شده اند و از فقدان حس وفاداری و تعلق و قابلیت بهم وابستگی و طلب حمایت مورد نیاز رنج می برند . در این خانواده ها روابط بین افراد بسیار خشک و سخت است و رفتارهای اعضای بر هم تأثیر کمی دارد ( اولسون<sup>۸</sup> و همکاران ، ۱۹۸۳ ؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران ، ۱۳۹۶ : ۵۷ ) .

مرزهای خشک انعطاف ناپذیر هستند و افراد را از یکدیگر جدا نگه می دارند . بعضی از خانواده ها به علت این نوع مرزها ، اعضای دارند که در برقراری یک رابطه ی صمیمی با دیگران در درون خانواده با مشکلاتی مواجهند ( گلادینگ ، ترجمه ی بهاری و همکاران ، ۱۳۸۸ : ۲۳۸ ) .

در خانواده های گسسته و نامتقارن ، الگوی حمایت و تبادل دوسویه و مثبت ، بین اعضا وجود ندارد و این می تواند باعث ادراک و احساس طرد شدن در فرد شود و به نوبه ی خود فرد را به سوی رفتاری آسیب زا سوق دهد ( هیرچ و بارتون<sup>۹</sup> ، ۲۰۱۱ ؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران ، ۱۳۹۶ : ۶۲ ) .

مرزهای خشک مرزهایی هستند که در سیستم های معیوب وجود دارند . زیر سیستم ها ( زیر منظومه ها ) با چنین مرزها یا سیستم خانواده ، رابطه کمی با بیرون دارند یا اصلاً ارتباط ندارند . می توان گفت در خانواده هایی با چنین مرزهایی ، خودمختاری بسیار مسلط است و حمایت داخلی فقط در موارد استرس شدید ظاهر می شود ( مینوچین ، ۱۹۷۴ ؛ به نقل از کورت و اوزون ، ۲۰۲۳ : ۱۶۱ ) .

در مرزهای ارتباطی گسسته در خانواده ، ساختار سالم ، منظم و با قدرت دیده نمی شود و پیوند بین اعضای خانواده ضعیف است ، در این خانواده ها روابط بین افراد بسیار خشک و سخت است و رفتارهای اعضای روی هم تأثیر کمی دارند ( کیانی و همکاران ، ۲۰۱۸ ؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران ، ۱۳۹۶ : ۶۲ ) .

<sup>۷</sup> Craddock ۷

<sup>۸</sup> Olson ۸

<sup>۹</sup> Hirsch and Barton ۹

### ۲-۴-۴- مرزهای درهم تنیده یا نامشخص

مرزهای درهم تنیده شدیداً گنگ و نامتمایز هستند؛ بنابراین به سادگی از سوی سایر اعضای خانواده مورد تجاوز قرار می گیرند و مرزهای هر خرده نظام در خانواده های به هم تنیده، در حدی ناچیز تفکیک شده است و به سادگی می توان از آن عبور کرد دارد (اولسون و همکاران، ۱۹۸۳؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷).

مرزهای پراکنده (در هم تنیده) مرزهای نفوذپذیری هستند که در آن زیرسیستم ها با یکدیگر تداخل دارند. جدا کردن زیرسیستم ها از یکدیگر دشوار است و بنابراین در هم تنیدگی در روابط بسیار بالاست به همین دلیل مرزهای پراکنده را می توان یکی از انواع مرزهای با تعارض بیشتر دانست (مینوچین، ۱۹۷۴؛ به نقل از کورت و اوزون، ۲۰۲۳: ۱۶۱).

رفتار یک عضو خانواده بی درنگ روی دیگران اثر می گذارد و استرس یکی از افراد شدیداً از مرزها عبور می کند و به سرعت در سایر زیر منظومه ها منعکس می شود (کیانی و همکاران، ۲۰۱۸؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲).

با مرزهای نامشخص، اعضای خانواده به قدر کافی از یکدیگر جدا نیستند. در این آرایش گفته می شود که بعضی از اعضای خانواده با هم آمیخته می شوند و استقلال و خودمختاری افراد وجود ندارد. مرزهای نامشخص وابستگی را تشویق می کند (گلادینگ، ترجمه ی بهاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

### ۳-۴-۴- مرزهای مشخص (بهنجار / متقارن)

همانطور که از نامش پیداست در مرزهای روشن، مرزها کاملاً مشخص هستند، نقش ها و قوانین توسط همه اعضای سیستم پذیرفته شده است. در سیستم هایی با چنین مرزهایی، افراد شانس بسیار بیشتری برای متمایز ساختن خود دارند. مرز سالم (بهنجار) علاوه بر پشتیبانی از خودمختاری در درون سیستم، احساس تعلق به سیستم را نیز تقویت می کند (مینوچین، ۱۹۷۴؛ به نقل از کورت و اوزون، ۲۰۲۳: ۱۶۱).

مرزهای مشخص، قوانین و قواعدی هستند که به اعضای خانواده اجازه می دهد تا ارتباط و روابطشان را با همدیگر تقویت کنند زیرا گفتگو را امکان پذیر و تشویق می کند. در این موارد، اعضای خانواده آزادانه اطلاعات را مبادله می کنند و بازخوردهای صحیحی را داد و ستد می کنند. مثالی از یک مرز مشخص این قاعده است که در هر زمان فقط یک شخص صحبت کند. از طریق مرزهای مشخص، بحث و مذاکره ی اصولی و برون سازی می تواند در خانواده ها با موفقیت صورت بگیرد. این فرایندها تغییر را تسهیل می کنند و همچنان ثبات خانواده را حفظ می کنند. والدین و بچه ها احساس می کنند به یکدیگر تعلق دارند ولی در عین حال قادرند فردیت پیدا کنند (گلادینگ، ترجمه ی بهاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۷-۲۳۸).

خانواده های متقارن الگوی متمایزی از تبادل و حمایت از خود نشان می دهند. اعضای خانواده به صورت متقارن و دوسویه با هم تعامل برقرار می کنند. آنها درگیر کارهایی می شوند که در آن هر یک از اعضای خانواده، در کارکرد کلی خانواده نقشی دارند و همه ی اعضای خانواده سعی داشته تا بهترین کار را برای همدیگر انجام دهند (هیرچ و بارتون، ۲۰۱۱؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۲).

مرزهای بهنجار نشان از ساختار سالم خانواده دارد، روابط شفاف است، قدرت در خانواده مشخص است، افراد از حریم خصوصی لازم برخوردار هستند و به استقلال اعضا احترام گذاشته می شود (کیانی و همکاران، ۲۰۱۸؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲).

### ۵-۴-طبقات مرزها در خانواده

بر اساس ساختی که در هر خانواده وجود دارد افراد در می یابند که برخی مناطق برای آنان مجاز، برخی عبور با احتیاط و برخی دارای علامت توقف یا عبور ممنوع است. اگر فرد از مرزهای غیرمجاز عبور کند، اعضای خانواده مکانیزم هایی را برای تنظیم و مهار در پیش خواهند گرفت و فرد، گاه تسلیم می شود و در مواقعی به چالش با اعضای خانواده بر می خیزد. از این رو اعضای خانواده کم و بیش از جغرافیای محدوده ی خود آگاهند (مینوچین، ۱۹۸۱؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

مفهوم مرز از چهار طبقه تشکیل شده که در زیر به آن اشاره می شود:



## ۱-۵-۴- مرزهای داخلی خانواده

کارکرد مرز، متمایز کردن محدوده و وظایف زیر منظومه هاست. مرز در زیر منظومه های والدینی، زن و شوهری و فرزندان وجود دارد (مینوچین، ۱۹۸۱؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

## ۲-۵-۴- مرزهای خارجی خانواده

مرزهای خانواده یکی از کارکردهای تعیین میزان تعلق و هویت اعضای خانواده است. قابلیت تطابق و سازگاری مکمل بین زن و شوهر با شرایط جدید، مستلزم آزادی از مداخله ی فامیل آنها، بچه ها و گاه کل (( برون خانواده )) است (مینوچین، ۱۹۸۱؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

## ۳-۵-۴- انعطاف پذیری مرزهای خانواده

مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف پذیری یا نفوذپذیری با یکدیگر تفاوت دارند و میزان دسترسی به هر خرده نظام، ماهیت و فراوانی ارتباط و تماس میان اعضای خانواده را تعیین می کند و همزمان بر احساس تعلق به کل نظام خانواده صحنه می گذارد (مینوچین، ۱۹۸۱؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

## ۴-۵-۴- عملکرد بهینه ی مرزها (بهزیستی)

وضوح مرزها با فراهم کردن حمایت و دسترسی ساده و توافق بین نظام های فرعی، بهزیستی کل خانواده را بهبود می بخشد و در همان حال استقلال و آزادی هر یک از این اعضاء را تشویق می کند. خودپیروی اعضای خانواده فدا نمی شود ولی با این حال، این مرزها آنقدر انعطاف پذیر هستند که محبت، حمایت و مشارکت خانوادگی به میزان لازم در دسترس هر عضو باشد (مینوچین، ۱۹۸۱؛ به نقل از شایقی فرد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

## ۵- نتیجه گیری

سالوادور مینوچین یکی از مهم ترین نظریه پردازان حوزه ی خانواده، یکی از اولین کسانی است که مفهوم مرز را در روان شناسی مطرح کرد. مرزها خطوط فرضی مربوط به جنبه های ارتباطی اعضای خانواده است که اموری مانند روابط کلامی و غیر کلامی، مسئولیت ها، توقعات متقابل و قواعد ارتباطی اعضای خانواده، مقررات، کیفیت و کمیت عضویت در خانواده و زیرمنظومه های آن را شامل می شوند. از منظر مینوچین، هر خانواده دارای یک ساخت است و این ساخت هنگامی که خانواده در حال عمل است، آشکار می شود. ساختار مجموعه ای پنهانی از نقش هاست که اعضای خانواده از آن راه با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند.

هر خانواده دارای چند زیرمنظومه است. زیرمنظومه ها واحدهای کوچکتر سیستم به عنوان یک کل هستند. زیرمنظومه ها هنگامی تشکیل می شوند که اعضای خانواده به یکدیگر می پیوندند تا ویژه نقش ها و وظایف متعددی را انجام دهند. سه زیرمنظومه در خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردارند که عبارتند از: زیرمنظومه ی زن و شوهری، زیر منظومه ی والدینی و زیرمنظومه ی فرزندان

نوع مرزها در روابط بین اعضای خانواده تأثیر دارند و عملکرد ایده آل خانواده زمانی رخ می دهد که مرزها واضح هستند و بین استقلال و اتحاد، تعادل برقرار باشد. مرزها باید به اندازه ی کافی قوی باشند تا از رشد سالم سیستم حمایت کنند. از دیدگاه خانواده درمانی ساختاری که مبتنی بر نظریه ی سیستم ها می باشد، مرزها خطوط نامرئی هستند که افراد یا زیرمنظومه ها را از نظر روانی از هم جدا می کنند و منجر به تشکیل زیرسیستم های خانواده می شوند. مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف پذیری یا نفوذپذیری با یکدیگر متفاوت هستند. بر طبق دیدگاه خانواده درمانی ساختاری، مرزها به سه شکل گسسته، درهم تنیده و بهنجار هستند. مرزهای خشک انعطاف ناپذیر هستند و افراد را از یکدیگر جدا نگه می دارند. بعضی از خانواده ها به علت این نوع مرزها، اعضای دارند که در برقراری یک رابطه ی صمیمی با دیگران در درون خانواده با مشکلاتی مواجهند. مرزهای درهم تنیده شدیداً گنگ و نامتمایز هستند؛ بنابراین به سادگی از سوی سایر اعضای خانواده مورد تجاوز قرار می گیرند و مرزهای هر خرده نظام در خانواده های به هم تنیده، در حدی ناچیز تفکیک شده است و به سادگی می توان از آن عبور کرد دارد. مرزهای مشخص، قوانین و قواعدی هستند که به اعضای خانواده اجازه می دهد تا ارتباط و روابطشان را با همدیگر تقویت کنند زیرا گفتگو را امکان پذیر و تشویق می کند. در این

موارد ، اعضای خانواده آزادانه اطلاعات را مبادله می کنند و بازخوردهای صحیحی را داد و ستد می کنند . مرزهای درون خانواده از لحاظ انعطاف پذیری یا نفوذپذیری با یکدیگر تفاوت دارند و میزان دسترسی به هر خرده نظام ، ماهیت و فراوانی ارتباط و تماس میان اعضای خانواده را تعیین می کند .

### مراجع

- چراغی ، مونا ، بی غم ، زهرا ، ذبیح زاده ، عباس ، نیک فرجام ، محمدرضا و توسلی ، سجاد . ( ۱۴۰۱ ) . **معنای مرز در روابط بین فردی برای ایرانیان** . فصلنامه راهبرد فرهنگ . شماره ۵۸ ، ۹۹-۱۲۵ .
- درخش ، علی ، اصلانی ، خالد و کرایبی ، امین . ( ۱۳۹۸ ) . **شناسایی عوامل ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی ، مطالعه نظریه داده بنیاد** . فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان . دوره هفدهم ، شماره ۴۲ ، ۱-۲۶ .
- شایقی فرد ، حجت اله ، رفاهی ، ژاله ، فلاح ، محمدحسین و وزیر یزدی ، سعید . ( ۱۴۰۰ ) . **تحلیل محتوای کیفی مقایسه ساختار خانواده از منظر اسلام و رویکرد ساختاری مینوچین** . فصلنامه علمی - پژوهشی روش ها و مدل های روانشناختی . دوره دوازدهم ، شماره ۴۶ ، ۱۱۳-۱۳۰ .
- عاشوری ، جمال و منشئی ، غلامرضا . ( ۱۳۹۲ ) . **اثربخشی خانواده درمانی ساختاری بر سطح رضایت زناشویی زنان** . فصلنامه زن و مطالعات خانواده . سال پنجم ، شماره ۱۹ ، ۱۴۶-۱۳۳ .
- کری ، ج . ( ۱۳۹۶ ) . **نظریه و کاربرست مشاوره و روان درمانی** . ( ترجمه یحیی سیدمحمدی ) . تهران : ارسباران ( ۲۰۱۳ ) .
- کیانی چلمردی ، احمدرضا ، هنرمند قوجه بگلو ، پژمان و خاکدال قوجه بگلو ، سعید . ( ۱۳۹۶ ) . **پیش بینی گرایش به خودکشی در دانش آموزان بر اساس الگوها و مرزهای ارتباطی خانواده** . مجله ی مراقبت اورژانس . دوره اول ، شماره ۲ ، ۶۶-۵۶ .
- گلاذینگ ، س . ( ۱۳۸۸ ) . **خانواده درمانی** . ( ترجمه فرشاد بهاری ، بدری السادات بهرامی ، سوسن سیف و مصطفی تبریزی ) . تهران : تزکیه
- گنجی ، حمزه . ( ۱۳۸۷ ) . **بهداشت روانی** ، تهران : انتشارات ارسباران ، چاپ نهم
- هوشیاری ، جعفر ، شکوری ، حسن و حسینی کوهساری ، سید مجید . ( ۱۳۹۹ ) . **حدود و مرزهای روان شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدودالله** . دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلامی زنان و خانواده . سال هفتم ، شماره ۱۳ ، ۷-۳۰ .

kurt , ali ammar and uzun , n . bilge , **development of perceived family boundaries in young adults scale** , turkish psychological counseling and guidance journal , 2023 , vol. 13, no. 69, 160-169.